



بررسی صفات خبریه خداوند (با تکیه بر نظر اهل حدیث، اشاعره، معتزله و امامیه)

الیاس موسوی خسروی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور رضوانشهر

چکیده:

از جمله صفاتی که خداوند در قرآن کریم به خود نسبت داده، صفات خبریه می باشد که مجال بحث و اختلاف نظرهای مبنایی و عمیق را بین متکلمان ایجاد کرده است. برخورد با این دسته از صفات، سوالات زیادی را در ذهن متکلمان ایجاد کرده است. از جمله اینکه: آیا واقعا خداوند دارای این گونه از صفات هست یا نه و آیا خداوند این صفات را به طور حقیقی به خود نسبت داده یا نه و نسبت این گونه صفات به خداوند به صورت مجازی بوده است و بالاخره اینکه ما در حوزه معنانشناسی، این مدل صفات را چگونه باید فهم کنیم. البته در پاسخ به چنین سوالاتی متکلمان رویکرد های متفاوتی را اتخاذ کرده و مواضع مختلفی را برگزیده اند. در این بین برخی که ظاهرگراتر بودند، قائل به تشبیه شده و گفتند: این صفات را باید حمل بر معنای ظاهری کرده و عده ای قول به تنزیه را برگزیده و گفتند که باید ساحت مقدس خدا را از این گونه صفات امکانی پاک کرد. عده ای نیز قائل به تعطیل معرفتی در این حوزه شدند و بالاخره گروهی گفتند که در حد توان عقل، می توان این صفات را فهمید. در این مختصر به بررسی دیدگاه های متکلمان با رویکرد ظاهرگرایی اهل حدیث و اشاعره و عقل گرایی معتزله و در نهایت عقل گرایی و نقل گرایی امامیه پرداخته خواهد شد.

واژه های کلیدی:

صفات خبری، اهل حدیث، اشاعره، معتزله، امامیه

۱- مقدمه:

یکی از مباحث بسیار مهم و کهن در ادیان الهی و کلام ها و فلسفه های دینی و غیر دینی، بحث شناخت خدا و صفات اوست. می دانیم که در حوزه معرفت شناسی، بحث شناخت خدا از طریق ذات او ممکن نیست لذا بحث شناخت صفات خدا جهت معرفت ذات خداوند به عنوان بهترین روش شناخت خدا مورد توجه ادیان و متکلمان و فلاسفه بوده و می باشد. اهمیت بحث شناخت خدا از طریق صفات، در حدی است که نه تنها ادیان و فلسفه های دینی و کلام های مختلف جهت شناخت خدا به بررسی صفات او پرداخته اند بلکه منکران وجود خدا و ملحدان نیز جهت اثبات حرف خود در پی یافتن تناقضاتی در مبحث صفات نسبت داده شده به خدا بوده اند تا بدین وسیله به گمان خودشان در انکار ذات مقدس خداوند موفق تر عمل نمایند. در اهمیت بحث صفات خداوند همین بس که بخش عظیمی از آموزه های دینی را به خود اختصاص داده و بالاخره اینکه آن خدایی که ادیان و فطرت و عقل به وجودش گواهی داده اند، چگونه خدایی است، یکی از بزرگترین سوالات همیشگی ذهن بشر بوده و هست.

متکلمان بحث اسماء و صفات الهی را در سه حوزه مورد بحث و بررسی و مذاقه قرار داده اند: ۱- حوزه لفظ شناسی اسماء و صفات ۲- حوزه وجود شناختی اسماء و صفات ۳- حوزه معنانشناسی اسماء و صفات الهی، که در هر یک از این حوزه ها سوالاتی ذهن متکلمان را به خود مشغول کرده و سبب اختلاف نظر در بین آنها گردیده است. در حوزه وجودشناختی اسماء و صفات، متکلمان به دو دسته کلی تقسیم می شوند که یک دسته را صفاتی و دسته دیگر را غیر صفاتی یا نافیان صفات نام گذاری نموده اند. صفاتی کسانی هستند که برای خداوند قائل به صفت شده و می گویند که خداوند دارای صفت می باشد البته خود صفاتی نیز به گروه هایی تقسیم شدند و عده ای گفتند صفات خدا زائد بر ذات است و نظریه زیادت صفات بر ذات را برگزیدند و غیر صفاتی نیز با رد زیادت صفات با ذات حق، قول به عینیت صفات با ذات را برگزیدند و در این بین برخی از روایات امامیه اغلب با عباراتی از قبیل مجازی و اعتباری بودن صفات قول به نیابت ذات بر صفات را پذیرفته و گفتند در حوزه وجود چیزی جز ذات احدیت وجود ندارد و ذات را نائب مناب صفات نامیدند. متکلمان تقسیماتی را برای صفات خداوند ارائه کردند که یکی از آنها تقسیم اشعریان است که به تبعیت از اهل حدیث، صفات خدا را به صفات خبری و غیر خبری تقسیم نموده و صفات خبری را به صفات ذاتی و صفات فعلی تقسیم کرده اند. صفات خبری از جنبه معنانشناسانه بیشتر مورد توجه متکلمان بوده و اینکه این

صفات را چگونه باید بفهمیم یکی از دغدغه‌ها و مسائل مبتلا به متکلمان بوده و هست. به همین خاطر در این مختصر سعی شده تا دیدگاه برخی از متکلمان اسلامی در باب صفات خبری مورد بررسی قرار بگیرد.

۲- تعریف صفات خبریه:

در قرآن کریم برای خداوند صفاتی مثل: «ید، وجه، رجل، مجيء و استوا بر عرش» ذکر شده است که این صفات را صفات خبریه می‌گویند و آیاتی که این صفات در آنها ذکر شده را آیات متشابه گفته‌اند. در تعریف ماهیت صفات خبریه گفته‌اند: صفات خبریه صفاتی هستند که برخی از متکلمان طبق ظاهر آیات قرآن به خدا نسبت داده‌اند در حالیکه تکیه گاه اثبات این صفات تنها ظاهر آیات قرآن و احادیث معصومین می‌باشد و عقل نسبت این دسته از صفات را به خدا نه تنها به طور معنادار اثبات نمی‌کند بلکه نسبت آنها به خداوند را رد می‌کند لذا می‌توان گفت که صفات خبریه صفاتی‌اند که تنها به این دلیل به خدا نسبت داده می‌شوند که در آیات قرآن و روایت آمده‌اند و عقل به این صفات و نسبت آن به خدا دلالتی ندارد. البته قابل ذکر است که علت نامگذاری این دسته از صفات به خبری این است که اثبات آنها فقط از طریق خبر دادن آیه یا حدیثی است. در کتاب الانصاف در مورد صفات خبریه چنین می‌آورد:

"قسم الباحثون صفاته سبحانه الی: صفات ذاتیه و صفات خبریه، فالعلم و القدره و الحیاه و السمع و البصر و کل ما یطلق صفه الکمال یعد من صفات الذاتیه و اما ما دلّت علیه ظواهر الآیات و الاحادیث، کالعلو و الوجه و الیدین و الاستواء و الرجل الی غیر ذلک مما ورد فی المصدرین فتعدّ من صفات الخبریه. (الانصاف فی مسائل دام فیہ الخلاف، ج ۳، ص ۳۴۳)

همچنین در کتاب شرح مصطلحات آمده است "و هذه الصفات قد وردت فی الشرع فنسمیها صفات خبریه" (شرح مصطلحات، ص ۹) پس با توجه به عباراتی که در کتب کلامی وارد شده، می‌توان گفت که صفات خبری صفاتی هستند که دارای چند ویژگی می‌باشند. الف: صفات خبری صفاتی هستند که مستندی جز نقل در مصدرین (آیات قرآن و روایات معصومین) ندارند و در آیاتی از قبیل: یدالله فوق ایدیهم (فتح، ۱۰) و فاینما تولّوا فتمّ وجه الله (بقره، ۱۱۵) و اصنع الفلک باعیننا و وحینا (هود، ۳۷) و الرحمن علی العرش استوی (طه، ۵) ذکر شده‌اند. (سیمای عقاید شیعه، ۶۷). ب: واژه‌های موجود در این آیات و آیات شبیه به اینها، در ظاهر حکایت از آن دارد که خداوند جسم و جسمانی است. ج: این صفات، صفات انسانی هستند که به خدا نسبت داده شده‌اند پس جهت فهم آنها باید تفسیر شوند. د: عقل اینگونه صفات را در حوزه وجود شناسی برای خداوند تأیید نمی‌کند و قائل به مجازی بودن نسبت آنها به خداوند است.

۳- دیدگاه‌ها نسبت به صفات خبری:

می‌دانیم که در مبحث وجودشناختی اسماء و صفات الهی، متکلمان به دو گروه صفاتی و غیر صفاتی تقسیم می‌شوند. گفته شد که صفاتی قائل به اثبات صفات برای خداوند بوده و غالباً صفات خدا را به صفات ذات و صفات فعل تقسیم بندی می‌کنند که اهل حدیث و اشاعره در این گروه جای می‌گیرند. اما غیر صفاتی - که از طرف اشاعره به این نام نامیده شده‌اند - قائل به صفات زائد بر ذات نبوده بلکه قائل به عینیت صفات با ذات را می‌باشند. البته در دسته غیر صفاتی که به نافیان صفات نیز مشهور هستند، گروه‌هایی همچون معتزله و امامیه جای دارند که معتزله قول به عینیت صفات با ذات را به صراحت پذیرفته و بیان نمودند که "الله ذات له صفات و صفاته عین ذاته". در عمق این دیدگاه، همچون صفاتی، خداوند واقعا دارای یکسری صفات است که البته بر خلاف اشعریان، صفات حق را عین ذات دانسته‌اند. برخی از روایات و اقوال متکلمان امامیه، در ظاهر - همچون معتزله - قول به عینیت را تأیید نموده‌اند، هر چند بیشتر روایات امامیه موید قول به نیابت ذات از صفات می‌باشند.

نویسنده کتاب بحوث فی الملل و النحل در گروه بندی دیدگاه‌های متکلمان اسلامی، در مورد صفات خبری می‌گوید: عده‌ای صفات خدا را به ذاتیه و خبریه تقسیم کرده و صفاتی که ظواهر آیات و احادیث به آنها دلالت دارند را صفات خبریه می‌نامند و سپس دیدگاه متکلمان نسبت صفات خبری را در چهار گروه بیان می‌دارد، که عبارتند از:

۴- دیدگاه اهل حدیث (مشبهه و مجسمیه)

گروهی از اهل حدیث که همان مشبهه هستند، صفات خبری را با همان معانی‌ای که در ذهن انسانها است و به انسانها نسبت داده می‌شود، به خداوند نیز نسبت می‌دهند و گمان می‌کنند که خداوند نیز مانند انسانها و سایر مخلوقات دست و پا و صورت و ... دارد. لذا نگاه جسم‌انگارانه به خداوند داشته و به همین خاطر به آنها مجسمیه هم می‌گویند.

سبحانه بنفس المعانی المرتکزه فی اذهان الناس من دون ای تصرف و هو قول المشبهه، فقد زعموا انّ لله سبحانه عینین و رجليں مثل الانسان". (بحوث فی الملل و النحل، ج ۲، ص ۹۵)

مشبهه و مجسمیه که از اهل حدیث هستند و همچنین غلات شیعه و یونسیه و شیطانیه، صفات خبری را به همان معنا و کیفیت که در مورد انسان به کار می‌رود و ثابت است در مورد خدا نیز به کار می‌برند و معتقدند که این صفات دقیقاً به همان معنا که بر انسانها بار می‌شود بر خداوند نیز حمل می‌شود و معنایی غیر از معنای انسانی این صفات مراد نیست.

نویسنده کتاب سلسله المسائل الاعتقادیه در همین خصوص و در بیان اعتقاد مشبهه و مجسمیه، می‌نویسد:

" و اهل السنه فی هذه الموضوع و هم طائفتین : ۱- مبتدع السلفیه . ۲- معطله السلفیه ... و مبتدعه السلفیه : هم معترن بظواهر الآیات و الاحادیث من دون امعان او فکر فی مفاهیمها و مقاصدها و هم المجسمیه و المشبهه " (سلسله المسائل الاعتقادیه، ج ۷، ص ۴۱)

۵- خلاصه دیدگاه اهل حدیث :

دانستیم که دسته اول، همان اهل حدیث و ظاهر گرایان یا محدثین هستند که تکیه گاه اصلی آنها ظاهر آیات قرآن و روایات رسول گرامی اسلام بوده و مهم ترین ویژگی آنها عقل ستیزی است و با ورود دادن عقل به فهم آیات قرآن مخالفند و عقاید خود را صرفاً از ظاهر آیات و روایات اخذ می‌کنند و با هرگونه اندیشه ورزی در حوزه دین مخالف بوده هستند. (فرق مذاهب گلیپایگانی، درس ۲۴) لذا این گروه با این نگاه ظاهر گرایانه به صفات خداوند و با این دلیل که نباید از ظاهر آیات و روایات عدول کرد و معنای ظاهری را تغییر داد، قاعدتاً باید قائل به تشبیه خدا به مخلوقات و جسم انگاری خداوند، باشند و نهایت فهم آنها از ظاهر آیات و روایات در حوزه صفات خبری چیزی جز قول به تشبیه و تجسیم خداوند نخواهد بود و به همین خاطر است که آنها صفات خبری را بدون تامل، با همان معنای انسانی به خدا نیز نسبت داده و معتقد شدند که صفات خبری با همان معنای انسانی به خداوند نیز صدق می‌کنند یعنی وقتی می‌گوییم مثلاً دست خدا معنای واژه دست در مورد خدا دقیقاً به همان معنایی است که واژه دست در مورد انسانها دارد و همین طور است داستان وجه و رجل و استوا و ...

۶- اشاعره :

از دل ظاهر گرایان و عقل ستیزان افراطی که همان اهل حدیث بودند، جریاناتی متعادل تر مثل ماتریدیه و اشاعره بوجود آمدند که در واقع حدوسط بین اهل حدیث (عقل ستیزان افراطی) و معتزله (عقل گرایان افراطی) بودند.

اشاعره معتقدند هر صفتی که در قرآن و حدیث برای خداوند آمده و به او نسبت داده شده باید به همان معنای ظاهری حمل و تفسیر و فهم گردد هر چند این صفات جسمانی مثل دارا بودن دست و پا و صورت و ... باشد، البته اشاعره جهت جداسازی خود از اهل حدیث (مشبهه و مجسمیه)، عبارت بلا تشبیه و بلا کیف را اضافه کرده و گفتند: معنای صفات خبری، وقتی به خدا نسبت داده می‌شوند، همان معنای ظاهری آنهاست، البته حمل این صفات به خداوند، بدون کیفیت و بدون اینکه خدا به مخلوقات شبیه شود، می‌باشد (فرهنگ شیعه، ص ۷۹)

در کتاب سلسله المسائل الاعتقادیه در تعریف نگاه اشعریان به صفات خبری و توضیح واژه بلا کیف و اینکه ما مکلف به تفسیر این دسته از آیات نیستیم، چنین آمده است: " و معطله السلفیه : و حاصل تلك النظرية : ان الصفات الخبرية تحمل على الله بنفس معانيها و لكن مقيدة بعدم الكيف، فله سبحانه يد بلا كيف و عين بلا كيف و استواء بلا كيف و معنى بلا كيف، انه لا يعرف كنه الصفة و لسنا مكلفين بتفسير هذه الآيات... (سلسله مسائل، ج ۷، ص ۴۷)

۷- خلاصه دیدگاه اشعریان :

اشعریان در باب صفات خبری، معتقدند که: ۱- خداوند دارای صفات خبری مثل ید، وجه و ... هست ۲- این صفات به طور حقیقی به خداوند نسبت داده می‌شوند ۳- این صفات و نحوه نسبت آنها به خداوند بر ما معلوم نیست. ۴- ما مکلف به درک و فهم آنها نیستیم. لذا می‌گویند که صفات خبری با معنای واقعی خود بر خداوند حمل می‌شوند البته هیچگونه کیفیتی ندارند و باعث تشبیه او به مخلوقات هم نمی‌شوند. یکی از بزرگان این اعتقاد، مالک ابن انس است که در تبیین نگاه اشعریان به صفات خبری می‌گوید: معنی آیه الرحمن علی العرش استوی معلوم و کیفیت آن مجهول و ایمان به آن واجب و سوال از آن بدعت است (فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۰۱)

۸- مفوضه (گروهی از اشعریان) :

مفوضه جمعی از اشعریان هستند که در مورد صفات خبریه خداوند، نظریه تفویض را مطرح نموده اند. طرفداران این نظریه از اظهار نظر در مورد معنا و مراد اینگونه آیات خودداری می‌کنند (فرق و مذاهب گلیپایگانی، درس ۵۴)

طبق نظریه تفویض، بر ما واجب است که اجمالاً آنچه خدا در قرآن آورده و همچنین در احادیث آمده و خداوند خودش را به آن توصیف کرده را بپذیریم. اما اینکه مراد خدا از بیان این صفات چه بوده و فهم دقیق آن را به خود خدا واگذار می‌کنیم. در کتاب بحوث



فی الملل و النحل آمده است: " و هی نظریه التفویض و حاملها الایمان بکل ما جاء فی القرآن و السنه من الصفات التي وصف الله سبحانه نفسه بها اجمالاً و تفویض ما یراد منها اليه (بحوث فی الملل و النحل ، ج ۲ ، ص ۱۰۶)

۹- خلاصه دیدگاه مفوضه :

گروه مفوضه می گویند: ما به مقتضای عقل و برخی آیات قرآن مثل آیه لیس کمثله شیء می دانیم که خدا را مثل و مانندی نیست و هیچ مخلوقی به او شبیه نیست و او را به هیچ مخلوقی نمی توان تشبیه کرد اما از طرفی ما از درک الفاظ وارد شده در آیاتی همچون: " الرحمن علی العرش استوی" و " خلقت بیدی" و " جاء ربک" و آیاتی از این قبیل عاجزیم و از طرفی تکلیف شرعی به ما حکم می کند تا آنچه در کتاب خدا آمده را اجمالاً بپذیریم و به آن معتقد باشیم و اینکه مراد خداوند از بیان چنین عباراتی چیست را به خود او واگذار میکنیم. (فرهنگ فرق اسلامی ، ۳۰۱)

همچنین در کتاب رسائل الکبری از زبان سفیان ابن عینییه آمده است: " کل ما وصف الله سبحانه به نفسه فی کتابه فتفسیره تلاوته و السکوت علیه". (رسائل الکبری ، ج ۱ ، ص ۳۲) یعنی آنچه در کتاب خدا آمده است را موظیم بخوانیم و در برابرین سوال که مراد خدا از بیان آن چه بوده باید سکوت کنیم چون لسان مکلفین بمعرفت هذا. « نتیجه اینکه اشعریان - چه گروه اول که صفات خبری را با قید بلا تشبیه و بلا کیف اثبات کردند و چه مفوضه که درک و فهم صفات خبری را به خود خدا واگذار کردند، در باب معرفت صفات خبری خداوند قائل به تعطیل عقول از درک و فهم این گونه آیات که صفات خبری را در خود جای داده اند، شدند و بهترین موضع معرفتی نسبت به این صفات را اعتقاد و پذیرش ظاهر تمام واژه هایی دانستند که در قرآن وارد شده است، البته بدون بحث و تفسیر و مذاقه در آن آیات و دقیقاً به همین دلیل بود که گفتند: معنای صفات خبری معلوم و کیفیت مجهول (بلا کیف) و لسان مکلفین بمعرفتها و ایمان به آنها واجب و سوال از آنها بدعت است. از آنجاییکه هر دو گروه سر از تعطیلی معرفتی صفات خبری خداوند در آوردند به آنها معطله هم می گویند ».

۱۰- ادله اشاعره :

دلیل اول: اگر صفات خبری خدا را تاویل کنیم، مثلاً: یدالله و وجه الله و ... را به قدرت یا نعمت و یا معنا کنیم، صفات خدا را باطل کرده ایم و ابطال صفات خدا که قول اهل قدر و اعتزال است، جایز نیست چون واقعا خدا صفت دارد و نفی صفات کمالیه از او مساوی نفی ذات است پس خداوند صفات خبری را به همان معنای ظاهری دارا است.

قال ابوحنیفه: " ما ذکر الله تعالی فی القرآن من ذکر الوجه و الید و النفس، فهو له صفات بلا کیف و لایقال ان یده قدرته و نعمته لان فیہ ابطال الصفه و هذا قول اهل القدر و الاعتزال و لکن یده صفة بلا کیف و (سلسله المسائل، ج ۷، ص ۴۹)

دلیل دوم: تاویل آیات جایز نیست چون تاویل امری مضمون است نه یقینی و قطعی. لذا سخن گفتن در مورد صفات خدا به طریق ظنی جایز نیست پس آمانا بظاهره و صدقنا بباطنه....

دلیل سوم: لسان مکلفین بمعرفته: ما هم می دانیم که خداوند لیس کمثله شیء است اما وظیفه ما مسلمانان این است که به آنچه در قرآن وارد شده به طور اجمالی ایمان داشته باشیم و بدان معتقد باشیم و مکلف به معرفت آن نیستیم.

۱۱- مؤوله :

مؤوله که قائل به عبور از ظاهر آیات متشابه جهت درک و فهم اراده اصلی خداوند می باشند، به دو گروه معتزله و امامیه تقسیم می شوند الف: معتزله: مؤوله کسانی هستند که می گویند در آیات متشابه قرآن باید از ظاهر لفظ عبور کنیم و با ارجاع آنها به محکومات قرآن دست به تفسیر و تاویل آنها زده تا بتوانیم به فهم مراد اصلی خداوند نزدیک تر شویم چون معتقدند که در آیات متشابه، معنای ظاهری کلمه مراد خدا نیست بلکه معنای دیگری مراد است که می توان آن معنای را از قرائن لفظی و یا عقلی بدست آورد، که این عمل را تاویل و کسانی قائل به این روش هستند را مؤوله می گویند. (فرق و مذاهب گلیایگانی، درس ۵۴). از بین متکلمان اسلامی معتزله و امامیه قائل به تاویل آیات متشابه قرآن به محکومات آن می باشند (هر چند این دو گروه کلامی در حوزه وجود شناسی صفات خدا با هم تفاوت هایی دارند اما در حوزه معناشناسی و در فهم آیات متشابه، هر دو قائل به تاویل متشابهات هستند).

معتزله می گویند: اکتفا کردن به ظاهر آیاتی که در آنها صفات خبری خدا بیان شده است، جایز نیست و به همین خاطر آنها صفات خبری خدا (یدالله - وجه الله - استوی علی العرش و ...) را به معنایی غیر از معنای ظاهری تاویل می نمایند و می گویند: مثلاً، مراد اصلی خدا در آیه " الرحمن استوی علی العرش" بیان قدرت او می باشد. معتزله می گویند اگر در فهم صفات خبری به ظاهر آنها بسنده کنیم در دام تشبیه و

تجسیم خواهیم افتاد که به حکم عقل و آیات قرآن تشبیه خدا به مخلوقاتش و جسم‌انگاری خداوند باطل است و تکیه بر ظاهر اینگونه آیات جهت فهم آنها چیزی جز ضلالت و گمراهی نیست.

در کتاب بحوث فی الملل و النحل در تبیین جایگاه فکری معتزلیان به صفات خبری چنین آمده است:

"اجتمعت المعتزلة على ان الله واحد ليس كمثله شيء و هو السميع البصير و ليس بجسم و لا شبح و لا جثة و لا صورة و لا لحم و لا دم ولا... و لا يوصف بشيء من الصفات الخلق الداله على حدوثهم و لا يوصف بأنه متناه... و لا يقاس بالناس و لا يشبه الخلق بوجه من الوجوه... (بحوث، ج ۳، ص ۴۴۳)

البته قابل ذکر است که مخالفان معتزله - تحت عنوان صفاتی - معتزله را نافیان صفات الهی و معطله می‌نامند به این معنا که معتزله دست از فهم معنای واقعی صفات خبری برداشته و از ظاهر آیات خدا که حجت می‌باشد، عدول کرده‌اند.

نویسنده کتاب حکایات فی المخالفات در پاورقی کتاب خود در همین خصوص می‌نویسد:

"اصحاب الصفات هم الصفاتیه القائلون بان لله تعالى اعضاء و هی صفات ازلیه و هی صفات خبریه و لما كانت المعتزله ینفون الصفات بهذا المعنی سموهم معطله (الحکایات فی المخالفات المعتزله من العدلیه، ص ۵۳)

۱۲- خلاصه دیدگاه معتزلیان:

معتزلیان معتقدند که: ۱- خداوند دارای یکسری صفات هست که این صفات عین ذات اویند. ۲- صفات خبری را باید به صفات ذاتی خداوند ارجاع داد و مثلاً صفت ید را به قدرت تاویل نمود و... ۳- در تبیین و فهم صفات خبری نباید در دام تشبیه و تجسیم افتاد، چون به گواهی قرآن و عقل، چیزی از مخلوقات شبیه خداوند نیست.

۱۳- امامیه:

امامیه نیز همچون معتزله، تاویل متشابهات به حکمات قرآن را بهترین راه درک و فهم این گونه آیات دانسته و تنها راه فهم صفات خبریه را تاویل، بیان کرده‌اند. البته با این تفاوت که امامیه طبق برخی از روایات وارده از ائمه معصوم در مبحث وجودشناسی اسماء و صفات الهی، نسبت هر گونه صفتی که به مخلوقات نسبت داده می‌شود را به خداوند جایز نمی‌دانند و می‌گویند: هر صفتی که به مخلوقات نسبت داده شود به خداوند نسبت داده نمی‌شود چون نسبت چنین صفاتی به خدا، افتادن در دام تشبیه و تجسیم است که طبق آیات محکم قرآن تجسیم خدا و تشبیه او به مخلوقات محال است. (کلام و عقاید دکتر برنجکار، ص ۷۲) برخی از روایات وارده از ائمه معصوم (ع) انسانها را از نسبت دادن صفات مخلوقات به خدا بر حذر داشته‌اند: از امام معصوم نقل شده که: "فمعانی الخلق عنه منغیة" هر معنا و مفهومی مربوط به مخلوقات باشد، از خداوند نفی می‌شود (هر مفهومی که به مخلوقات نسبت داده می‌شود [اعم از اینکه ذاتی باشد یا عرضی و صفت] چون از مخلوقات استخراج شده، فقط به مخلوقات قابل حمل است). (شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۴)

همچنین از امام رضا (ع) نقل شده است: "فکل ما فی الخلق لا یوجد فی خالقه و کل ما یمکن فیه یمتنع من صانعه" (توحید صدوق ص ۴۰) یعنی هر چه در مخلوقات وجود دارد در خالق وجود ندارد و حمل آن بر صانع جایز نیست.

همچنین از امام موسی ابن جعفر (ع) نقل است: "تعالی عن صفات المخلوقین علوا کبیرا" (بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۹۶) خداوند برتر و بزرگ‌تر از آن است که صفات مخلوقات را به او نسبت دهیم. امام علی ابن موسی الرضا (ع) در مورد وجه الله و صفات خبریه می‌فرمایند: "من وصف الله بوجه کالوجه فقد کفره و لکن وجه الله انبیائه و رسله و حججه هم الذین بهم یتوجه الی الله و الی دینه و معرفته" (امالی، ص ۴۶۰) هر کسی به هر نحوی خداوند را توصیف کند کافر است چون خداوند وجهی ندارد و وجه خدا کنایه از رسل اویند که همچون آیینه‌ای او را نمایان می‌کنند دسته دیگری از روایات نسبت هر گونه صفتی را به خداوند نفی کرده‌اند و تنها صفت خداوند را بی صفتی او دانسته‌اند. امام علی (ع) در اولین خطبه نهج البلاغه می‌فرمایند: "اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده اخلاص له و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه لشهادة کل صفة أنها غیر الموصوف و شهادة کل موصوف أنه غیر الصفة فمن وصف الله فقد قرنه و من قرنه فقد ثناه و من ثناه فقد جزاه و من جزاه فقد جهله..." (نهج البلاغه - خطبه اول). امام علی (ع) در این خطبه، کمال و نهایت شناخت از خداوند و توحید او را نفی صفات از او و اقرار به وحدانیت او به این معنا که هیچ صفتی ندارد و در واقع ذات است و غیر از ذات چیزی نیست، می‌دانند. از امام رضا (ع) نقل است که فرمودند: "و نظام توحیده نفی الصفات عنه لشهادة العقول ان کل صفت و موصوف مخلوق، و شهادة کل صفت و موصوف باقتران و شهادة الاقتران بالحدث و الحدث بالمخلوق و هذا ممتنع" (هدایه المله الی معارف الائمه، ص ۵۳۰) در این روایت نیز امام رضا (ع) نسبت دادن هر صفتی را به خداوند، به گواهی عقل رد کرده و می‌فرمایند: تمام صفات و موصوف ها: ۱- مخلوق هستند. ۲- چون مخلوقند پس یک چیز نیستند

و دو چیزند. ۳- دوئیت همیشه همگام با حدوث است. ۴- هر چیزی که حادث باشد، مخلوق است، پس خداوند صفتی ندارد، چون مخلوق نیست.

۱۴- خلاصه دیدگاه مووله :

قابل ذکر است که هر چند امامیه - همچون معتزله - قول به تاویل آیات متشابه را طبق سیره ائمه (ع) پذیرفته و ارجاع متشابهات قرآن به محکمت را جهت درک و فهم متشابهات، لازم و جزء سیره تفسیری خود می‌دانند اما نباید از این نکته غافل بود که نگاه امامیه در باب وجود شناسی و معناشناسی صفات خداوند با نگاه معتزله متفاوت است. معتزله همانطور که اشاره شد قائل به عینیت (ذات له الصفه و صفاته عین ذاته) صفات با ذات بوده که با این حال مقرر به دو مطلب هستند ۱- خداوند صفت دارد ۲- این صفات زائد بر ذات نیستند بلکه عین ذاتند که در نگاه دقیق روایات وارده از معصومین لازمه قول به عینیت نیز دوئیت و تفاوت بین ذات و صفات می‌باشد و دوئیت نیز باطل است. در برخی از روایات امامیه، هرگونه صفت (چه ذاتی چه خبری) از ساحت مقدس خداوند نفی شده است و برخی روایات، خداوند را نائب مناب صفات دانسته و گفته اند خدا هیچ صفتی به معنای صفات مخلوقات ندارد بلکه فقط ذات است که علامه و بصیره و سمیع و... است و خود ذات است که نائب مناب تمام این صفات است. از طرفی در باب معناشناسی صفات حق، امامیه طبق برخی از روایات، شناخت صفات حق را در حد لازم ممکن دانسته و معتقدند که صفات حق بر ما پوشیده نیست هر چند قائل هستند که عقل به کنه ذات صفات او راه ندارد امام علی در همین خصوص در نهج البلاغه می‌فرماید: " لم یطلع العقول علی تحدید صفته ولم یحببها عن واجب معرفته " (نهج البلاغه ، خطبه اول). قابل ذکر است که مهم ترین اصل در چگونگی توصیف خداوند و تفسیر صفات او از منظر روایات وارده از ائمه معصوم، خارج کردن ساحت مقدس خداوند از دو حد تشبیه و تجسیم است البته آیات قرآن نیز مؤید این محتوا هستند و از سویی به مساله شناخت خدا تاکید دارند و از سویی دیگر هرگونه شباهت میان خدا و مخلوقاتش کرده اند و را صحیح نیز همین است که صفات خداوند را بدون تشبیه او به مخلوقاتش اثبات کنیم. (کلام و عقاید دکتر رضا برنجکار ، ص ۷۱)

۱۵- ادله مؤوله :

دلیل اول: یکی از لوازم پذیرش قول اشعریان، تعطیلی عقول از معرفت صفات خداست چون عده ای از آنان می‌گویند: خدا مثلا دست دارد اما بلاکیف است و عده ای از آنها می‌گویند خدا مثلا دست دارد اما ما معنایش را نمی‌فهمیم و فهم آن را به خدا وامی‌گذاریم، که در هر دو صورت به عدم امکان فهم ما از صفات خبری خداوند اذعان شده است که این باطل است.

دلیل دوم: پذیرش قول اشعریان (صحیح دانستن حمل صفات خبری به خداوند به صورت واقعی) مساوی با پذیرش جسمانیت خداست درحالیکه خدا جسمانی نیست چون جسم محدود و ناقص است و خدا نامحدود است و کامل.

دلیل سوم: توصیف خداوند به روش اشعریان و واقعی دانستن حمل صفات خبری به خدا باعث افتادن در دام تشبیه شده که با آیه محکم قرآن که می‌فرماید لیس کمثله شیء سازگاری ندارد.

دلیل چهارم: آنچه از صفات خبری- مثل دست، وجه، پا و... که مختص انسان و دیگر مخلوقات هستند - از نظر معنایی در ذهن اهل لغت خطور می‌کند یا به ذهن آنان متبادر می‌شود از دوحال خارج نیست. ۱- یا معنای حقیقی و ظاهری آنهاست که اگر در مورد خدا لحاظ شود منجر به تشبیه خدا به مخلوقات گشته که طبق آیات صریح قرآن خدا به هیچ چیزی شبیه نیست. ۲- یا معنای مجازی است که نیازمند تاویل خواهد بود پس در هر دو صورت قول مشبیه باطل خواهد بود.

۱۶- نتیجه گیری :

متکلمان اسلامی در مورد آیات متشابه قرآن که الفاظ مربوط و دال بر صفات خبری خداوند در آنها مطرح شده است، اقوال متفاوتی داشته اند که می‌توان آنها را در دو دسته بیان نمود. ۱- کسانی که در فهم صفات خبری خداوند به ظاهر آیات قرآن تمسک جسته و ابائی از تشبیه خداوند به مخلوقات نداشتند و در دام تشبیه خداوند به مخلوقات گرفتار شده و برای خداوند دست، پا، صورت و... قائل شدند که تحت عنوان اهل تشبیه از آنها نام برده می‌شود که از آن جمله می‌توان به مشبیه و مجسمیه از اهل حدیث اشاره کرد ۲- دسته دوم که اهل تنزیه بودند و محور اصلی کلام آنها تنزیه بوده و معتقد بودند که باید ساحت مقدس خداوند را از هر صفت یا مفهومی که باعث تشبیه خداوند به مخلوقاتش شود پاک کرده و هرگونه تشبیهی را در مورد صفات خداوند باطل دانستند که از آن جمله می‌توان به معتزله و امامیه اشاره کرد که در باب فهم صفات خبری خداوند و جهت تنزیه ذات از اینگونه صفات و نزدیک تر شدن به فهم اراده اصلی خداوند، تاویل ظاهر آیات متشابه را لازم و ضروری دانستند. (



دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۹ - تهران

البته قابل ذکر است که نگاه امامیه که برگرفته از روایات معصومین و سیره آن بزرگواران است با نگاه معتزله در حوزه وجودشناختی صفات الهی متفاوت است که بحث و بررسی اختلاف دیدگاه این دو گروه را به مجالی دیگر وامی گذاریم (

نویسنده کتاب الانصاف فی مسائل دام فیہ الخلاف در زمینه فهم و تفسیر درست صفات خبری خداوند می فرماید: در تفسیر صفات خبری خداوند باید به دو نکته اساسی توجه کرد. ۱- باید مواظب باشیم که تفسیر و مدل فهم ما از صفات خبری خداوند به تشبیه و تجسیم خداوند منتهی نگردد چون تشبیه خداوند به مخلوقات و جسم انگاری او نه با ادله عقلی سازگاری دارد و نه با آیات قرآنی. " ان لاینتهی التفسیر الی التجسیم و التشبیه و الجبهه و ما لایصح وصفه سبحانه به علی ما دلت علیه الآیات القرآنیه و الادله العقلیه " ۲- تاویل آیات به منظور دست کشیدن از ظاهر آیات نیست بلکه ظاهر آیات قرآن نیز خود حجت بوده و در تفسیر، ترک ظاهر آیات جایز نیست بلکه به معنی گذر از کانال ظاهر آیه جهت فهم اراده اصلی خداوند است .

"ان یکون نزیها عن التاویل بمعنی صرف الآیه عن ظاهرها الی غیر ظاهرها و ذلك لان الآیات القرآنیه حجه بظاهرها و لایصح لنا ترک ظاهر الآیه الی غیرها ... " (الانصاف فی مسائل دام فیہ الخلاف ، ج ۳ ، ص ۳۵۲)

۱۷- منابع و مأخذ :

- ۱- برنجکار ، رضا ۱۳۹۴ش ، کلام و عقاید (توحید و عدل) سمت
- ۲- پژوهشکده تحقیقات اسلامی ، ۱۳۸۶ ش ، فرهنگ شیعه ، زمزم هدایت
- ۳- جمعی از نویسندگان ، ۱۴۱۵ ، شرح مصطلحات کلامیه ، آستان قدس رضوی
- ۴- ربانی گلپایگانی ، علی ، ویرایش دوم ، فرق و مذاهب کلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی
- ۵- سبحانی ، جعفر ، ۱۳۸۱ش ، الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف -موسسه امام صادق (ع)
- ۶- سبحانی ، جعفر ، ۱۳۸۶ ش ، سیمای عقاید شیعه ، نشر معشر
- ۷- سبحانی ، جعفر ، تقریر حسن ملکی عاملی سلسله المسائل العقائدیة ، موسسه امام صادق (ع) - قم
- ۸- سبحانی ، جعفر ، بحوث فی الملل و النحل سبحانی ، موسسه امام صادق (ع)
- ۹- شیخ مفید ، محمد بن محمد بن نعمان ، ۱۴۱۲ق ، الحکایات فی مخالقات المعتزله من العدلیه ، المؤتمر العالمی للشیخ مفید
- ۱۰- شیخ صدوق ، ۱۳۹۸ق ، توحید ، موسسه نشر اسلامی
- ۱۱- شریف مرتضی ، ۱۹۹۸م ، امالی ، دارالفکر العربی
- ۱۲- خراسانی ، ابوجعفر ، ۱۴۱۶ق ، هدایه الامه الی معارف الائمه ، موسسه البعثه
- ۱۳- علامه مجلسی ، محمد باقر ، ۱۴۰۴ق ، بحارالانوار ، ، موسسه الوفاء
- ۱۴- قرآن
- ۱۵- مشکور ، محمد جواد ، ۱۳۷۲ ش ، فرهنگ فرق اسلامی ، آستان قدس رضوی
- ۱۶- مازندرانی ، مولی صالح ، شرح اصول کافی ، دار الکتب الاسلامیه
- ۱۷- نهج البلاغه